

میخواست و بر آورده میشد - گویند خود او به پسرانش فرموده که از طرف خداوند متعال مجاز نیستیم که اسم اعظم را بشما بیاموزم ولی شما میتوانید در تألیفات من مطالعه و دقت زیاد نمائید بلکه آن را دریابید و از آن بهره ببرید.

**تبلیغ تشیع** - گویند در آن موقع که ابن طاوس اصرار داشت که افراد فرق عامدرا بمذهب شیعه هدایت نماید. با یکی از فقهاء اهل سنت که در مدرسه نظامیه بغداد سمت تدریس داشت تصادف کرد و بدون تقیه او را در تشخیص تکلیف دینی خود مقصر دانست زیرا با داشتن علم و احاطه باخبار که ملاحظه مینماید جسته و گریخته علماء بزرگ اسلام مخصوصاً اهل جماعت و سنت بیعت غدیر و نصب خلیفه اقرار کرده اند و اگر در دوره عباسیان که سیاستاً مذهب حقه شیعه را کنارگذاشته و مروج فرق عامه بودند آزادی نداشتند امروز که قدرت و حکومت در دست آنان نیست نباید پیرو ایمان طریقه مرجوحه باشد - چه آیه ولایت در قرآن مجید و همچنین آیات مباهله و تطهیر جای تردید و تشکیکی برای تو باقی نمی گذارد - اقاله ابوبکر از خلافت بواسطه وجود علی و اخبار منقوله از عمر بن الخطاب که مکرر گفته است اگر علی نبود عمر هلاک میشد و هر دو نفر در جنگهای شام و مصر و ایران قدرت! تخان تصمیم نداشتند زیرا دو نفر اشخاص عادی مانند سایر مردم بودند و در هیچ موردی اتکال و اتکاء آنان به منبع قدیس ادعاء نشده تا صحیح یا غیر صحیح باشد پس بر تو لازم است که بدون تامل مذهب شیعه را اتخان کنی و باهل بیت طهارت متوسل گردی .

قفیه سنی میگوید - استدلال شما قوی است ولی مرا یارای آن نیست که بر مطاعن اسلاف و اصحاب لب بگشایم - ابن طاوس - آیات قرآنی بر طعن و مخالفت ایشان ناطق است که من پرسبیل احتجاج از کلام الله مجید مبرهن خواهم کرد - اسلاف و اصحاب مورد نظر شما در زمان حیات پیغمبر در چهار مورد مخالفت کرده و مستوجب قذح آمدند.

۱ - در حال خوف ۲ - در حال رجاء ۳ - در مقام صحت ۴ - در موقع ایثار اما مخالفت در حال خوف فرار از جنگ حنین است که خداوند درباره آنان (تولیتم مدبرین) آورده است اما در حال امن و رجاء هم آنان بودند که پیغمبر را در منبر تنها گذارده و

بتماشای تجارت و لهو رفتند و قرآن مراتب را حکایت دارد - (واذرتوا تجارة اولهوا) الی آخر - اما در مقام صحبت خداوند به پیغمبرش میفرماید ولو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم) معلوم میشود که اصحاب تقصیر کرده بودند که خداوند امر میفرماید آنان را عفو کن اما در مقام ایثار همینکه در قرآن مجید بموجب آیه ( يا ايها الذين آمنوا اذانا جيتم الرسول فقد موا بين يدي نجويكم صدقة ) نازل شده دیگر کسی با آنحضرت نجوی ننمود تا در اندک زمانی این حکم نسخ شد ولی حضرت علی بن ابیطالب (ع) در همان مدت قلیلده مرتبه صدقه داد و نجوی کرد ای رفیق شفیق - علاوه بر این چهار مورد، در تقسیم غنیمت هوازن و در مورد تغییر ساختمان کعبه و در مورد افتراء بعایشه با پیغمبر در مقام مجادله برآمدند (وهم چنین در موقع صلح حدیبیه) (این قسمت در نامه دانشوران نبوده و نگارنده علاوه نموده است) .

ایها الفقیه - اشخاصی که با حضور پیغمبر گاهی از جنک فرار و گاهی تقصیر علی از ترك آنحضرت و رفتن بتماشای کوس و نقاره و تجارت و گاهی خست و لثامت در مورد صدقه برای نجوی و زمانی معترض بر تقسیم غنیمت و گاهی مجادله در ساختمان کعبه بنمایند چگونه نمی توان اعمال آنان را انتقاد نمود - اگر در روز قیامت خداوند با توعاب کند که چگونه قلابه اطاعت قومی را بگردن انداختی که خود عاصی بودند در صحیحین مسلم و بخاری ندیده ای که حضرت پیغمبر فرموده (لا يزال هذا الدين عزيزاً ما أوليهم اثني عشر خليفة كلهم من قريش) و در جای دیگر از صحیحین بدین مضمون فرموده (لا يزال امر الناس ماضياً ما أوليهم اثني عشر خليفة كلهم من قريش) تمامت این روایات از مطاعن مخالفین و مدایح اهل بیت و مثبت حقانیت شیعه امامیه است آیا هیچ گروهی را میشناسی که دوازده نفر خلیفه قائل باشند .

گفت غیر از شیعه امامیه فرقه دیگری را با این مشخصات نمی شناسم - حال از تو انصاف می طلبم اگر این احادیث صحیح نیست چرا در صحیحین نقل کرده اند و اگر صحیح است پس حجت بر تو تمام شده .

فقیه سنی - با روایاتی که صحیحین در ترکیه ابوبکر و عمر و عثمان آورده اند

چکنیم . ابن طاوس فرمود طبق قرارداد اول شما نمی‌توانید از صحیحین بفتح عامه استفاده کنید ولی من میتوانم برضرر عامه از آن کتاب استدلال کنم .

شما میدانید که عادل‌ترین مردم نمی‌تواند بقدر یکدم بفتح خود شهادت دهد مسلم و بخاری با این تزکیه میخواهند مذهب خود را تصحیح و ترویج نمایند و مبانی ریاست خود را مستحکم گردانند - فقیه سنی فریاد کشید که خداوند من از آنچه تا بحال بآنها معتقد بودم توبه کردم و در زیر لوای ولایت خاصه اهل بیت طهارت منسلک شدم و در امور دنیوی و اخروی خود فقط آنان را پیشوای خود میدانم - و دیگری از علمای سنت که از فقهای جامع مستنصریه بود مخفیانه ناظر این جریان بود و بعد از تسلیم فقیه اولی او نیز خود را بدست و پای ابن طاوس انداخته و بمذهب حقه گروید - باز ابن طاوس میگوید مردی از شیعه یکی از حنا بله را نزد من آورد و گفت او را نصیحت کن شاید بمذهب حقه در آید من بآن مرد گفتم اگر پیغمبر اسلام از تو بپرسد که چه شد تمام علماء را رها کرده و احمد بن حنبل را پیشوا قرار دادی چه جواب میدهی؟ گفت میگویم او را اعلم تشخیص دادم گفتم قبل از تولد احمد مسلمانان چه میکردند آیا احمد مبتکر فقه است در این صورت بدعت گذار است و اگر از دیگران نقل کرده پس آنان امام تو و احمد هستند آن مرد متحیر ماند و گفت جواب ندارم حال چکنم، گفتم از اهل بیت پیغمبر تقلید کن اهل خانه میدانند در خانه چیست و مرد حنبلی اطاعت نمود و از شیعیان بشمار آمد.

ابن طاوس بواسطه صداقت که مؤید الدین محمد بن احمد بن علقمی وزیر عباسیان با او داشت از حله به بغداد رفت و الناصر الدین الله خلیفه عباسی نقابت علوین را باو تفویض کرد ولی نامبرده قبول نمود اما دفعه دیگر بعد از قتل مستعصم و تسلط هلاکو - خان بر بغداد نقابت باو تفویض شد که باصرار خواجه نصیر الدین طوسی قبول نمود و سه سال و یازده ماه در این منصب بود تا روز دوشنبه پنجم ذی قعدة ۶۶۴ بر حمت ایزدی پیوست و مرقدش معلوم نیست و مصنفات زیادی دارد که بعضی از آنها را بطور تقیه بنام دیگران قلمداد کرده است مثل کتاب الطوائف فی معرفة مذاهب الطوائف که بنام عبدالمحمود بن داود المضری تالیف شده است زیرا تمام بندگان خدا عبدالمحمود هستند و نسب خود را

بداود رسانیده زیرا حضرت داود نیز از اجداد او است شاید یکی از جدات او از کلیمیان بوده که اسلام آورده باشد و اتساب به مضر هم غلط نیست زیرا تمام قریش مضرى هستند و عده کتب تالیفیه آنجناب در نامه دانشوران سی عدد قید شده است که بعضی از آنها کمتر از ده مجلد نیست و اساس مجاهدت در قرن هفتم؛ تبلیغ و ترویج اهل بیت عصمت و طهارت بوده است نهایت گاهی از ازمه با حکام و امراء سخت گیر سنی مواجه می شده که نام مستعار اتخاذ می کرده است.

در نامه دانشوران مؤیدالدین محمد بن احمد علقمی وزیر مؤیدالدین محمد قمی ثبت شده که تصور می رود هر دو نام متعلق بیک وزیر و یک شخص باشد.

و ابن طائوس هم پس از مدتها متذکر شده که امام در دعای شب ۲۳ ذی قعدة ۶۳۸ بعد از جمله دعاء بر احياء مؤمنين می فرمود و باقیهم فی عزنا و ملکنا و سلطاننا و دولتنا و بعد از جمله دعاء بر اموات مؤمنين می فرمود و احيهم فی عزنا الی آخر ولی چون تردید داشته و قبلا هم دعا را بدون این جمله برای بعضی از فقهاء حکایت کرده بود در آن تصرفی ننموده و بهمان حال اولیه بدون قید دعای بقاء و احياء ثبت شده است رحمة الله عليه و علی و الدی \* .

در قبرستان بقیع نقطه ای بنام قبور زوجات النبی نامیده میشود  
**اختلاف شایعات**  
 که با نصب نه سنک در بالای قبور نه سنک در پائین قبور نه نفر زوجات آنحضرت را معرفی میکنند و این مطلب معارض است .

با اینکه دو مقام در قبرستان دمشق وجود دارد که دارای دو بقعه و دو قبر است و در بالای یکی از درها نوشته شده  
 هذا مقام السيدة ام سلمة زوجة النبی صلوات الله علیه وسلم و در دیگر مقام السيدة ام حبیبة زوجة النبی صلوات الله علیه وسلم

در هیچ از کتب و مقالات و کتیبه ها که در بلاد سنی نشین نوشته شده کلمه (واله) را نمی نویسند نگارنده با چند نفر از اهل علم آنان صحبت کردم و جهت آن را جویا شدم گفتند که مادر تقدیس اهل بیت پیغمبر تردیدی نداریم ولی صلوات مطابق آیه شریفه (ان الله و ملائکته یصلون علی النبی) الی آخر مخصوص به خود پیغمبر است و نمیتوان